

تفسیر سوره ماعون (جلسه اول)

متن مستخرج از فایل صوتی تدریس استاد تاج آبادی - ۱۴۰۰/۰۱/۰۶

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

أَرَأَيْتَ الَّذِي يُكَذِّبُ بِالْدينِ (۱) فَذَلِكَ الَّذِي يَدْعُ الْيَتِيمَ (۲) وَلَا يَحْضُ عَلَى طَعَامِ
الْمَسْكِينِ (۳) فَوَيْلٌ لِلْمُصَلِّينَ (۴) الَّذِينَ هُمْ عَنْ صَلَاتِهِمْ سَاهُونَ (۵) الَّذِينَ هُمْ يُرَاءُونَ (۶) وَيَمْنَعُونَ
الْمَاعُونَ (۷)

به نام خداوند گسترده مهر مهربان

آیا دیدی آن کسی را که جزا و پاداش را دروغ می‌انگارد و رستاخیز را باور نمی‌کند؟ (۱) او همان کسی است که یتیم را به شدت و ستم از خود می‌راند، (۲) و دیگران را بر اطعام بینوا ترغیب نمی‌کند. (۳) با این حال تظاهر به ایمان می‌کند و نماز می‌گزارد. پس وای بر این نمازگزاران! (۴) که از نمازشان غافلند و بدان اهتمام نمی‌ورزند. (۵) همانان که در عبادت‌هایشان ریا می‌کنند. (۶) و از اموال خویش آنچه نیاز دیگران را برمی‌آورند دریغ می‌ورزند. (۷)

شناسهٔ سوره

اولین نکته درباره این سوره این است که این سوره برخی گفته اند مکی هست، برخی گفته اند مدنی هست. برخی ها گفته اند که سه آیه اول این سوره مکی هست که درباره مشرکان هست و چهار آیه بعدی که با فویل للمصلین شروع می‌شود، این چهار آیه در مدینه نازل شده. سه آیه اول در مکه نازل شده چهار آیه بعدی در مدینه نازل شده.

دلیل اینهایی که می‌گویند بخش دوم سوره در مدینه نازل شده این هستش که معتقدند بخش دوم سوره درباره منافقین هست، چون منافقین هستند که نسبت به نمازشان سهل دارند و منافقین در مدینه شکل گرفتند، اصولاً نفاق از مدینه آغاز شد، در مکه نفاقی نبود، منافقی نبود که قرآن بخواهد آنها را تهدیدشان بکند و بگوید فویل للمصلین.

اما این دیدگاه و مبنای این دیدگاه پذیرفتنی نیست نوعاً مفسران اهل سنت اصرار دارند که ثابت بکنند جریان نفاق از مدینه شروع شد؛ یعنی از **انصار** شروع شد و نفاق در میان مهاجرین نبود. می گویند در مکه جز سختی و رنج و اینها چیزی نبود. جا نبود برای نفاق و منافق شدن.

در مدینه که حکومت تشکیل شد، جامعه تشکیل شد، اوضاع اقتصادی آنها خوب شد زمینه برای پیدایش نفاق فراهم شد، لذا نفاق از مدینه آغاز شد؛ پس این چهار آیه در مدینه نازل شد.

دلیل اینکه مفسران اصرار دارند؛ چه در این سوره چه در سوره های دیگری که آیات منافقین را مذمت می کنند؛ اصرار دارند که این آیات نفاق در مدینه نازل شده و در واقع هدف شان این هست که می خواهند دامن مهاجرین را پاک بکنند از نفاق. آن صحابه ای که اصرار دارند بر قداست شان، اصرار دارند بر تدین شان، در واقع آن ها را می خواهند مُبراً بکنند. ولی خُب این سخن و مبنای این سخن درست نیست. نفاق و جریان نفاق از مکه آغاز شد، از مکه منافق بودن به دلایل مختلف آغاز شد و در مدینه گسترش پیدا کرد و یک وقتی بحث نفاق و اینها پیش آمد در یک سوره ای آنجا مفصل تر بحث می کنیم و ادله شان را به نقد می کشیم و بحث روشن می شود

موضوع محوری سوره

خُب، موضوع محوری این سوره شاخصه های ویژه مُکذَّب روز قیامت است. قرآن می خواهد بگوید در واقع آن کسی که تکذیب می کند روز قیامت چه شاخصه هایی دارد؟

در میان شاخصه ها، در واقع، شاخصه های اجتماعی نفاق را ذکر می کند که چقدر شاخصه های اجتماعی تکذیب قیامت هست؛ نه شاخصه های فردی که حالا بعد بیشتر توضیح می دهیم.

دو رویکرد کلامی به این سوره

درباره این سوره دو نگاه کُلّی وجود دارد. دو رویکرد کلامی وجود دارد. عده ای معتقدند که این سوره درباره مشرکین نازل شده، درباره کافران نازل شده است. سه آیه اول درباره کافرانی است که در ظاهر و باطن کافرند؛ کفرشان را اظهار می کنند. **ارایت الذی یکذب بالذین فذالک الذی یدع الیتیم و لا یحض علی طعام المسکین** مربوط به مشرکینی است که شرک شان را به طور علنی آشکار می کنند و آن وقت هم نام می برند مصداق می آورند، مثل ابوسفیان، ابوجهل و دیگران.

و چهار آیه بعد درباره مشرکانی است که به ظاهر اسلام آوردند اما در باطن مشرک بودند؛ یعنی همان منافقین، منافقین اعتقادی. این رویکرد کلانی است که اینها دارند. پس این آیه را منحصر می کنند در بخشی از کافرانی که در ظاهر و باطن کافرند. بخش دیگر سوره مربوط کافرانی است که در درون کافرند؛ اما در ظاهر ادعای اسلام دارند که همان منافقین اصطلاحی هستند.

رویکرد دوم و کلان دیگری که در اینجا وجود دارد این هست که این سوره ناظر است به مذمت کردن و هشدار دادن و تهدید کردن گروهی از مومنان سست ایمان، گروهی از مسلمانان سست ایمان، اصلا ربطی به مشرکان ندارد، ربطی به منافقان ندارد. در واقع می خواهد بگوید شما مومنانی هستید که در واقع به نوعی تکذیب قیامت دارید و به نوعی ویژگی های یک مُکذَّب را دارید. یعنی یک کسی که تکذیب می کند قیامت را که مشرکان هستند، شما مسلمان هایی هستید، مومنانی هستید که ویژگی های مشرکان مکذب قیامت را دارند. یعنی به نوعی با پیش کشیدن برخی از ویژگی های مکذبان قیامت که مشرکان باشند دارد گریز می زند و مذمت می کند و توییح می کند، مومنان سست ایمان را. این هم رویکرد دومی است که مرحوم علامه طباطبایی از این رویکرد جانب داری کردند.

اما حالا کدام یک از این دو رویکرد قابل قبول است، باید وارد تفسیر آیات این سوره بشویم تا ان شاء الله به یک جمع بندی برسیم که آیا این سوره ناظر است به تهدید و مذمت مومنانِ سست ایمان یا ناظر است به تهدید مشرکان و منافقان که ان شاء الله در جلسه بعد باید پیگیری بکنیم.

والسلام علیکم و رحمه الله و برکاته.